

اشاره:

چندی پیش به دلیل بحرانی که دامنگیر هالیوود شده بود، عده‌ای از بازیگران سرشناس تقریباً بی‌کار، هجوم بی‌سابقه‌ای را از هالیوود به برادری شروع کردند و همین امر نگرانی شدیدی را در محافل هنری و تئاتری ایجاد کرد. خصوصاً در میان منتقدین، بازیگران و مدافعان تئاتر که باشک و تردید هجوم بتهای سینما را به روی صحنه می‌نگریسند.

● بت‌های بی‌کار سینما

در تئاتر برادوی

● مصیبتی بزرگ برای تئاتر

روی پانلهای تبلیغاتی شهر نیویورک، نام جیکالانگ و آلک بالدوین درنمایش اتوبوسی به نام هوس اثر تنسی ویلیامز - گلن کلوز، جین هاکمن در مرگ و دختری بچه از آریل دورفمن و آلن آلدادر زنهای جک آخرین اثر کمدی نیل سیمون با حروف درشت و شفاف به چشم می‌خورد. سالومه اثر اسکاردو وایلد با شرکت آل پاچینو در ماه می اجرا خواهد شد. درلندن و نیویورک داستین هافمن در نمایش تاجر ونیزی اثر شکسپیر و مرگ یک فروشنده از آرتور میلر ایفای نقش خواهد کرد.

و توم گتی در آخرین اثر تئاتری میلر، صعود از مونت مورگان بازی خواهد داشت. گوئید و آلمانی متفقد تئاتری نشریه پانوراما می‌گوید: بعد از سالها تجربه در نقد تئاتر، مایلم نظر تند خودم را در مورد این بازیگران بیان کنم. تقریباً همه آنها بروی صحنه تئاتر، بازی بسیار بدی از خود ارائه دادند.

بازیگران معروفی که در سینما می‌شناسیم، حتی روی صحنه تئاتر هم، همان شخصیت ثابت و جاافتاده سینمایی خود را یدک می‌کشند. هنگامی که مارچلو ماسترویانی را روی صحنه در نمایش پسانوی میکائلی به کارگردانی میخالکوف می‌بینیم و با ژان مورو را در نمایشی به کارگردانی هرمن بوش، در چند متری خود به فاصله کمی به صورت زنده و واقعی می‌بینیم، مشکل می‌توان بی‌طرف بود و تاثیر سینمایی آنها را نادیده گرفت. البته در مورد ژان مورو قضیه کاملاً فرق می‌کند. به طوری که هنگام اجرای نمایش، بعد از چند لحظه حرفه تئاتری او می‌چربد و خاطره بازیگری او در سینما از بین می‌رود و کاملاً یک تئاتری حرفه‌ای می‌شود. برعکس در مورد ژان پل بلموندو و حتی بار انسانی و شخصیتی فوق‌العاده او نمی‌تواند باعث

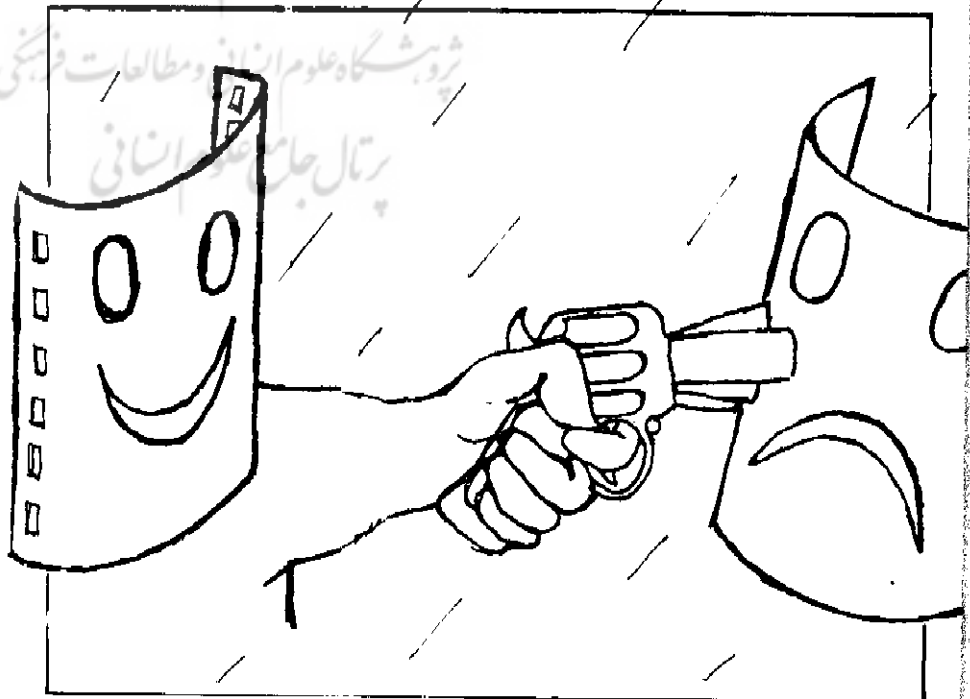
هنگامی که داستین هافمن وارد صحنه می‌شود، همه

چشمها را به خود خیره می‌کند

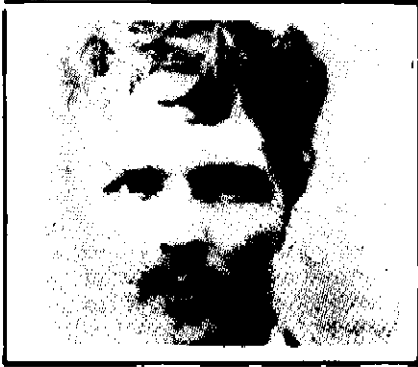
امیدوارم که بحران هالیوود به زودی تمام شود

گوئیدو آلمانی

ترجمه: پروین کوفری



بیوگرافی



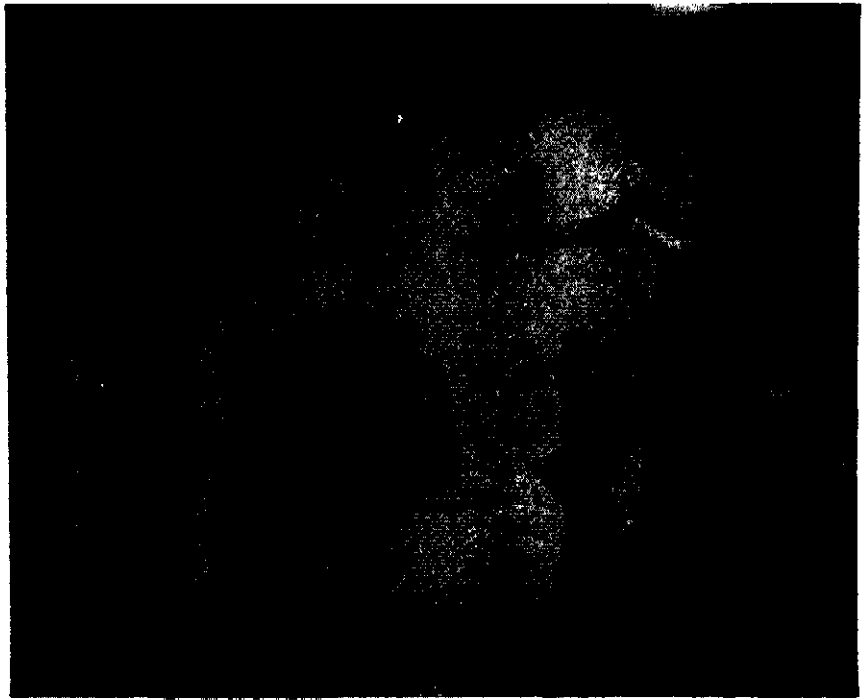
Strindberg: biography Michael Myer, Oxford

استریندبرگ: یک بیوگرافی

نویسنده مایکل مایر، انتشارات اکسفورد

این بیوگرافی برجسته از استریندبرگ جزئیاتی در مورد سه ازدواج پرکشش وی، کارهای سرسری وی در خفا، دوره‌های عود دیوانگی‌اش، و رابطه دوستانه او با مومن Gauguin، مونس Munch و دلیوس - که معیارهای زندگی زجرآمیزی وی بودند - را آشکار می‌سازد.

مجله ساندی تایمز در این مورد می‌نویسد: «در این اثر برجسته، سروری است بر یک نبوغ قوی و غالباً وحشت‌انگیز.» □



تماشاگران تئاتر با دقت و حوصله منتظر هستیم ببینیم چگونه یک بازیگر با همه انرژی، اشتیاق و علاقه، نقش خود را ایفا می‌کند. در حقیقت بازیگر تئاتر هر شب ریسک می‌کند. و اگر ناگهان اشتباه کند در برابر خود و کارگردان و دوربین فیلمبرداری نیست، بلکه مقابل تماشاگران است و... در مورد اجرای نمایش اتوبوس به نام هوس من فکر نمی‌کنم لانگ برای نقش اصلی حتی در اجرای سینمایی هالیوودی مناسب باشد. او قادر به حفظ نقش خود و تعادل بین واقعیت و فانتزی که همواره باید آن را مطابق متن داستان بیان می‌کرد، نبود. شخصیت داستان در عین حال که آگاه به گذشت زمان و از هم پاشیدگی روحی و جسمی خود است، باید معتقد به فانتزی‌ها و پندارهای واهی خود (که هنوز جوان و زیبا و نحیف است) نیز باشد.

و اما در مورد بازی بازیگر خوب سینما آل پاچینو در نقش ارود در نمایش سالومه تراژدی اسکاروایلد، که من واقعاً متأسفم و هنوز هم که فکر می‌کنم می‌ترسم نتیجه بدی در پیش رو داشته باشد. بنابراین آرزو می‌کنم بحران هالیوود هرچه زودتر پایان یابد و بازیگران سینما دوباره به جمع آوری پول در فیلمهای سینمایی برگردند و به این ترتیب و سوسه بازی در تئاتر و مزاحمت برای سالنهای تئاتری و شبهای زیبا و خاطره انگیز و زنده اجراهای تئاتر ما از بین خواهد رفت. □

موفقیتش شود. و اما در مورد داستین هافمن قضیه فرق می‌کند و یا شخصیتی که در قالب آنها به ایفای نقش می‌پردازد مثل شایلاک یا ویلی لومن. هافمن مانند همه نقش‌های سینمایی خود از تونسی تا مرد باران دوست داشتنی است و با خود حس و پوششی سینمایی دارد که نمی‌تواند خود را از آن رها سازد. اما این بدان معنی نیست که هافمن تئاتر و صحنه را نمی‌شناسد. هنگامی که او وارد صحنه می‌شود همه چشمها را به خود خیره می‌کند. مثل بازی او در نمایش‌های فارغ التحصیل و یا سگ پوشالی که از دید یکی از منتقدین معروف، بازی او در سگ پوشالی تا حدود زیادی به شخصیت شایلاک در تاجر ونیزی شباهت داشت. مردی آرام و صلح طلب که در برابر بی‌انصافی دنیا مجبور به عکس‌العمل خشن می‌شود. اما به راستی که هافمن نمی‌تواند دوست داشتنی نباشد.

از هافمن بزرگ می‌گذریم و به بازیگران متوسطی مثل لانگ، دریفوس، کتی ویاگلن کلوذ می‌رسیم که بازی آنها بسیار اسف انگیز بود، به‌خصوص گلن کلوذ که در آخرین فیلم زفرلی، هملت بازی می‌کرد و من هیچ تردیدی در بد بودن بازی او ندارم. تفاوت بین اجرای نقش در برابر دوربین فیلمبرداری و تئاتر بسیار زیاد است. در سینما اگر نقش درست اجرا نشود، می‌توان دوباره تکرار کرد تا هنگامی که بازیگر طبق دلخواه کارگردان بتواند حس درست در مورد نقش خود ایفا کند. اما بر روی صحنه، ما